



# مجله موسیقی

خرداد و تیر ۱۳۵۱

شماره ۱۳۶ دوره سوم

شاعران سرود گوی و آشنا بموسیقی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رمان جامع علوم انسانی

نوشته حسینعلی ملاح

(۵)

جامی

عبدالرحمن جامی<sup>۱</sup> بسال ۸۱۷ هجری در روستای خرگرد از ولایت

۱- بعضی مورخان نام وی را نورالدین و برخی عمادالدین نوشته‌اند.

جام خراسان زاده شد - تخلص جامی را بسبب نام زادگاه خود و ارادتی که به شیخ الاسلام احمد جامی<sup>۱</sup> داشت برگزید :

مولدم جام و رشحه قلمم  
لاجرم در جریده اشعار  
جرعه جام شیخ الاسلامی است  
بدو معنی تخلصم جامی است

غیر از دیوانهای شعر و مثنویات گوناگون ، کتابها و رساله‌های بسیار در رشته‌های مختلف پدید آورد - بیش از چهل پنجاه<sup>۲</sup> رساله و کتاب از این گونه به وی نسبت داده‌اند که در آنها از نحو و عروض و قافیه و معما گرفته تا فقه و حدیث و کلام ، مجال بیان یافته است .

در هیچیک از تذکره‌ها و کتابهای تاریخ که از احوال جامی در آنها سخنی بمیان آمده است ، مطلبی نمی‌بینیم که مباشرت وی را در موسیقی عملی تأیید یا تصریح کرده باشد - همینقدر از رساله‌ای نام برده‌اند که عارف جام در فن موسیقی به رشته تحریر در آورده است .

اما خود او در مقدمه رساله موسیقی خود می‌نویسد<sup>۳</sup> : «میگوید گوینده این راز و سازنده این نقش دلنواز که : در عنفوان شباب که او آن تحصیل و عنوان صحیفه قال و قیل بود ، تشجید خاطر را به تعلیم موسیقی آهنگ کرده بودم و قواعد علمی آن را بچنگ آورده ، گاه در قوانین تألیفی آن لبی می‌گشادم و گاه در موازین ایقاعی آن دستی می‌زدم .

از سطور نقل شده چنین برمی‌آید که : در روزگار جوانی به فرا گرفتن موسیقی همت گماشته و قواعد آن را آموخته است - ولی در اینکه سازی هم

---

۱- متوفی بسال ۵۳۶ هجری قمری .  
۲- بعضی تعداد آثار او را به حساب حروف تخلص (جامی) ۵۴ کتاب و رساله میدانند - سام میرزای صفوی در تحفه سامی از شماره کتب جامی ۴۵ مجلد بزرگ و کوچک از عربی ، فارسی و منظوم و مثنوی نام برده است .

۳- نسخه اصلی این رساله جزو مجموعه‌ای است که در کتابخانه آکادمی خلق ازبکستان شوروی به شماره ۱۳۳۱ محفوظ است - این رساله به سال ۱۹۶۰ میلادی در تاشکند بچاپ رسیده است ، در این مجموعه شرحی در یکصد و یازده صفحه بزبان روسی می‌بینیم که نویسنده آن « بولدیرف ، A. N. Boldiref » و شارح آن « بلایف ، V.M. Belayef » است .

خود رساله که به خط نسخ یا قرآنی است و عنوان‌های آن بنخط ثلث است از روی نسخه مضبوط در کتابخانه آکادمی ازبکستان عکس‌برداری شده و در چهارده صفحه عیناً چاپ شده است - نگارنده شرحی بر این رساله نوشته که در مجله موسیقی (از شماره ۱۰۱ بعد) چاپ شده است .

می نواخته یا آوازی خوانده نمی توان حکم قطعی صادر کرد - شاید بتوان از جمله: « در قوانین تألیفی لیبی می گشادم و گاه در موازین ایقاعی آن دستی میزدم » چنین استنباط کرد که الحانی می ساخته و می خوانده و در نواختن یکی از آلات کوبه ای مانند « دف » دستی داشته است .

اما آشکار است که در زمان تحریر رساله موسیقی، منحصرآ علم موسیقی مورد نظرش بوده است چنانکه می نویسد: « اقدام بر آن مرام نه مقتضای مقام این فقیر بوده و اشتغال بدان مقال نه موافق حال این حقیر... » بنابراین اگر هم روزگاری علم و عمل را معاً بکار می بسته و بدان اشتغال میورزیده در آن ایام که به تحریر رساله موسیقی پرداخته منحصرآ راغب علم موسیقی بوده و از درك دقائق فنی آن لذت می برده است .  
وفات جامی بسال ۸۹۸ هجری درهرات اتفاق افتاد و با اجلال و اعظام، باحضور علماء و بزرگان و امرای زمان بخاک سپرده شد .

\*\*\*

### تکمله

در اعصار بعد نیز شاعرانی بوده اند که با موسیقی الفت داشته اند - از جمله در فهرست نام های مجلد نهم ذریعه (ص ۶-۱۴۵۵) هفتاد و هشت شاعر موسیقار (موسیقی دان) بر شمرده شده اند - در فهرست ابن الندیم و الاغانی ابوالفرج اصفهانی و روضة الصفا و حبیب السیر و روضات الجنات اسفزاری و تحفه سامی بنام موسیقی دانهایی که شعر نیز میسروده اند اشاره رفته است که ذکر احوال همه آنها موجب اطاله کلام میشود ، همینقدر محض نمونه میتوان به چند نام اشاره کرد: *شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
عاشقی ارنه ای سیستانی (ادوار بند و شاعر)  
ملك قزوینی یا تبریزی (خوشنویس و شاعر و موسیقی دان)  
حافظ خوکره فراقی تبریزی (نقاش و خواننده و شاعر)  
وصالی تبریزی (شاعر و موسیقی دان) - نوشته اند « وصالی تبریزی در شهر ایبورد مطربی می کرد . »  
حافظ محمدتقی عندلیب - « از اساتید موسیقی و آوازه خوان و شاعر بوده . »

در نیم قرن اخیر نیز شاعرانی را می شناسیم که با موسیقی الفت

۱- تاریخ اجتماعی کاشان - تألیف حسن فراقی به نقل از الذریعه ج ۲:

ص ۷۷۲

داشته‌اند مانند :

- علی اکبر فراهانی (موسیقی‌دان و شاعر)  
علی اکبر شیدا (تصنیف‌ساز و شاعر)  
عارف قزوینی (تصنیف‌ساز و شاعر)  
ملك الشعراى بهار (شاعر و آشنا باموسیقی و ترانه‌ساز)  
حسین گل‌گلاب (شاعر و ترانه‌ساز)  
امیرجاهد (تصنیف‌ساز و شاعر)  
رهی معیری (تصنیف‌ساز - شاعر و ترانه‌ساز)  
دکتر نیرسینا (ادیب و شاعر و ترانه‌ساز)  
نواب صفا (شاعر و ترانه‌ساز)  
معینی کرمانشاهی (شاعر و ترانه‌ساز)  
بیژن ترقی (شاعر و ترانه‌ساز)  
ابراهیم صفائی (ادیب و شاعر و ترانه‌ساز)  
ابوالحسن ورزی (شاعر و ترانه‌ساز)  
ابراهیم صهبا (شاعر و ترانه‌ساز)  
و همچنین است شاعرانی همچون: ابوالقاسم حالت - عبدالله الفت -  
پرویز خطیبی - خانم لعبت‌والا - کریم فکور - بهادر یگانه - شهر آشوب -  
شاه‌زیدی - پرویز و کیلی - تورج نگهبان - شهین خنانه و شاعران دیگری  
(که به‌هنگام تحریر این سطور - با عرض معذرت - نامشان در خاطر من خطور نکرده  
است) در ساختن شعر ترانه‌ها توانا و چیره‌دست بوده‌اند .

رتال جامع علوم انسانی